

تحلیل گفتمان اجتماعی در رمان همسایه‌ها احمد محمود بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو

زهره شهرکی عین علی^۱، ماندانا علیمی^۲، زکبه رجبی^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Mandana.alimi@iau.ac.ir

چکیده

رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های رمان اجتماعی در ادبیات معاصر ایران به‌شمار می‌آید که بازنمایی دقیقی از زندگی مردم فرودست، کارگران، روشنفکران و نیروهای اجتماعی دهه‌های بیست و سی ارائه می‌دهد. این رمان با رویکردی رئالیستی، لایه‌های پنهان حیات اجتماعی و مناسبات قدرت را آشکار می‌کند. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره این رمان، کمتر مطالعه‌ای بر اساس چارچوب نظری نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو انجام شده است. گیرو نشانه‌ها را نه محدود به زبان، بلکه در آداب، هویت‌ها، آیین‌ها، رفتارها، مدها و بازی‌های اجتماعی نیز قابل ردگیری می‌داند. هدف این پژوهش آن است که با استفاده از نشانه‌شناسی اجتماعی، به تحلیل بازنمایی نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی در همسایه‌ها پردازد و نشان دهد که چگونه این نشانه‌ها به شکل‌گیری و تداوم گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی در متن کمک می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آداب معاشرت و نزاکت در رمان، بازتابی از تمایزات طبقاتی و روابط قدرت است؛ هویت‌های فردی و جمعی شخصیت‌ها در بستری از تقابل سنت و تجدد شکل می‌گیرد؛ و رفتارهای اجتماعی، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، بازتابی از سرشت انسان در موقعیت‌های بحرانی است. همچنین رمزگان اجتماعی نظیر لباس، زبان و نمادهای شهری، حامل معناهای طبقاتی و فرهنگی‌اند. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که همسایه‌ها نه تنها اثری ادبی، بلکه متنی اجتماعی-گفتمانی است که شبکه‌ای پیچیده از نشانه‌ها را در خود جای داده است. تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی این رمان، امکان شناخت عمیق‌تر از سازوکارهای هویتی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایران در مقطع تاریخی مورد نظر را فراهم می‌سازد.

کلیدواژگان: گفتمان اجتماعی، رمان، احمد محمود، نشانه‌شناسی، پیرگیرو.



شیوه استناددهی: شهرکی عین علی، زهره، علیمی، ماندانا، و رجبی، زکبه. (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان اجتماعی در رمان همسایه‌ها احمد محمود بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۳)، ۱-۱۸.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۱ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۸ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۳۰ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱۵ آذر ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

Social Discourse Analysis in Ahmad Mahmoud's *The Neighbors* Based on Pierre Guiraud's Social Semiotics

Zahra Shahraki Ein Ali¹, Mandana Alimi^{2*}, Zakiyeh Rajabi¹

1. Department of Persian Language and Literature, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran

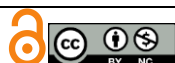
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Gorgan, Iran

*Corresponding Author's Email: Mandana.alimi@iaua.ac.ir

Abstract

The novel *The Neighbors* by Ahmad Mahmoud is regarded as one of the most prominent examples of the social novel in contemporary Iranian literature, offering an accurate depiction of the lives of the lower classes, workers, intellectuals, and social actors of the 1940s and 1950s (Gregorian Calendar). With a realist approach, the novel uncovers the hidden layers of social life and relations of power. Despite numerous studies on this novel, few investigations have been conducted based on Pierre Guiraud's theoretical framework of social semiotics. Guiraud considers signs not as limited to language, but as traceable in customs, identities, rituals, behaviors, fashions, and social games (Guiraud, 1975). The purpose of this research is to analyze the representation of cultural and social signs in *The Neighbors* using social semiotics and to demonstrate how these signs contribute to the formation and continuity of social and political discourses within the text. The findings indicate that social etiquette and politeness in the novel reflect class distinctions and relations of power; the individual and collective identities of the characters are formed within a framework of tension between tradition and modernity; and social behaviors, whether at the individual or collective level, reflect the nature of human beings in critical situations. Furthermore, social codes such as clothing, language, and urban symbols carry class-based and cultural meanings. Ultimately, this study shows that *The Neighbors* is not merely a literary work but a socio-discursive text embedded with a complex network of signs. The social-semiotic analysis of this novel provides a deeper understanding of the mechanisms underlying identity, culture, and politics in Iranian society during the historical period in question.

Keywords: *social discourse, novel, Ahmad Mahmoud, semiotics, Pierre Guiraud.*



How to cite: Shahraki Ein Ali, Z., Alimi, M., & Rajabi, Z. (2025). Social Discourse Analysis in Ahmad Mahmoud's *The Neighbors* Based on Pierre Guiraud's Social Semiotics. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(3), 1-18.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 25 June 2025

Revise Date: 12 November 2025

Accept Date: 19 November 2025

Initial Publish: 21 November 2025

Final Publish: 06 December 2025

مقدمه

رمان به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی، جایگاهی ویژه در بازنمایی تجربه‌های انسانی و اجتماعی دارد. در ادبیات معاصر ایران، رمان‌های اجتماعی همواره نقش پررنگی در انعکاس شرایط تاریخی و تحولات سیاسی-فرهنگی ایفا کرده‌اند. این گونه از رمان‌ها با تکیه بر زندگی روزمره، روابط انسانی و تضادهای طبقاتی، می‌کوشند تصویری روشن از جامعه به دست دهند و در عین حال گفتمان‌های مسلط را به نقد بکشند.

در میان نویسندگان معاصر، احمد محمود جایگاهی شاخص دارد. او نویسنده‌ای است که همواره با رویکردی رئالیستی به زندگی اجتماعی نگریسته و با قلمی پر جزئیات و صمیمی، تحولات جامعه ایران را به تصویر کشیده است. رمان همسایه‌ها، مشهورترین اثر محمود، نه تنها داستانی پرکشش درباره جوانی جنوبی است، بلکه بازتابی دقیق از مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در میانه قرن بیستم نیز به شمار می‌آید. این اثر، به‌ویژه از منظر بازنمایی هویت‌های جمعی، رفتارهای اجتماعی و آیین‌های فرهنگی، ارزش پژوهشی فراوان دارد.

تحلیل رمان همسایه‌ها از دریچه نشانه‌شناسی اجتماعی، به‌ویژه براساس دیدگاه‌های پیر گیرو، امکان تازه‌ای برای فهم عمیق‌تر آن فراهم می‌سازد. پیر گیرو در نظریه خود بر نشانه‌هایی تأکید دارد که فراتر از سطح زبانی و ادبی، در لایه‌های اجتماعی زندگی انسان ریشه دارند. او مقوله‌هایی چون آداب معاشرت و نزاکت، هویت فردی و جمعی، رفتارهای اجتماعی، رمزگان فرهنگی، آیین‌ها و مناسک، مدها و بازی‌ها را به عنوان نشانه‌هایی اجتماعی معرفی می‌کند که درک متن و جامعه را به هم پیوند می‌زنند.

از این منظر، همسایه‌ها متنی غنی برای تحلیل است؛ چرا که در آن می‌توان جلوه‌های گوناگون آداب اجتماعی، شکل‌گیری و تحول هویت‌ها، رمزگان رفتاری و فرهنگی، و آیین‌ها و مناسک روزمره را مشاهده کرد. بررسی این نشانه‌ها نشان می‌دهد که رمان چگونه

به بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد و هم‌زمان گفتمان‌های مقاومت، اعتراض و تغییر را برجسته می‌سازد.

این مقاله بر آن است تا با تکیه بر نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو، گفتمان اجتماعی در رمان همسایه‌ها را واکاوی کند. هدف اصلی، نشان دادن آن است که چگونه نشانه‌های اجتماعی در متن ادبی بازتاب می‌یابند و در فرآیند معناسازی، نقش مهمی در تبیین مناسبات قدرت، هویت و فرهنگ ایفا می‌کنند.

بنابراین، پرسش‌های پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. آداب معاشرت، هویت‌ها، مناسک و رمزگان اجتماعی در رمان چه جایگاهی دارند؟
۲. این نشانه‌ها چگونه روابط قدرت، تضادهای طبقاتی و هویت‌های جمعی را آشکار می‌کنند؟
۳. چه ارتباطی میان نشانه‌های اجتماعی و گفتمان مقاومت و اعتراض در رمان برقرار است؟

پیشینه پژوهش

۱- واثقی، فاطمه؛ علامی، ذوالفقار. (۱۴۰۳). در مقاله‌ای با نام «بازخوانی رمان پژوهشی جمشید و جم از محمد محمدعلی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو» که در نشریه ادب پارسی معاصر، ش ۱۴، به چاپ رسیده است، به تحلیل نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی در متن پرداخته شده است. نویسندگان به بررسی تقابل میان اسطوره و واقعیت در بازنمایی هویت، آداب و رسوم و نشانه‌های زندگی اجتماعی پرداخته‌اند.

۲- حسن نژاد، علی؛ احمدی، ناهید. (۱۴۰۳). در مقاله‌ای با نام «بررسی نفثه المصدور بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو» که در نشریه اجتماعیات در ادب فارسی، ش ۷، به چاپ رسیده است، نشانه‌های اجتماعی موجود در متن تحلیل شده‌اند. این پژوهش به بررسی دو دسته از نشانه‌ها، شامل هویت و آداب معاشرت، می‌پردازد که در اثر شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی به نمایش گذاشته شده است.

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای متنی است. داده‌ها از طریق مطالعه دقیق رمان همسایه‌ها و استخراج نشانه‌ها، گفتم آن‌ها و عناصر زبانی صورت گرفته است. چهارچوب نظری تحلیل، نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو در سه سطح زبان به مثابه نظام، کنش و بازنمایی است.

مبانی تحقیق

نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی (Semiotics) دانشی است که به مطالعه نشانه‌ها و نظام‌های نشانه‌ای می‌پردازد.

«نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند و می‌توان گفت حوزه‌ای چندرشته‌ای است که به بررسی مقوله‌های ارتباط و معنا آن‌گونه که در نظام‌های مختلف نشانه‌ای وجود دارند می‌پردازد.» (۱)

«نشانه‌شناسی در شکل‌های مختلف با ساخت معنا، تفسیر و ارتباط دادن آن، در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است.» (۲)

نشانه چیزی است که چیز دیگری را بازنمایی می‌کند و جایگزین آن می‌شود، «محرك یا جوهر محسوس‌تری است که تصویر ذهنی آن در ذهن ما با تصویر ذهنی محرك دیگر تداعی می‌شود. کارکرد محرك نخست، برانگیختن محرك دوم با هدف برقراری ارتباط است.» (۳).

«نشانه‌شناسی در گسترده‌ترین مفهوم آن مطالعه شکل‌های شکل‌گیری و مبادله معنا بر مبنای نظام‌های نشانه‌ای است. یکی از جامع‌ترین تعریف‌ها تعریفی است که امبرتو اکو از نشانه‌شناسی ارائه داده است. او می‌گوید: نشانه‌شناسی با هرآنچه که نشانه تلقی می‌شود سر و کار دارد. از دید نشانه‌شناس واژه‌ها، تصاویر، ایما، اشارات و ژست‌ها و چیزها می‌تواند نشانه باشد.» (۴).

نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی اجتماعی شاخه‌ای از نشانه‌شناسی است که به مطالعه نشانه‌ها در متن زندگی اجتماعی می‌پردازد. این رویکرد فراتر از زبان و تصویر، به آداب، رفتارها، آیین‌ها، مدها، بازی‌ها و رمزگان فرهنگی توجه دارد.

نشانه‌های اجتماعی رمزگان‌هایی هستند که به صورت قراردادهای نانوشته درون اجتماعی‌اند که برخی دارای معنایی روشن و برخی پیچیده‌اند. «از این طریق شخص می‌داند که با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را باز می‌شناسد.» (۳)

رمزگان‌های اجتماعی «داشته اجتماعی، تاریخی و فرهنگ بنیادی هستند که امکان بیان معنادار و دریافت معنادار را فراهم می‌کنند.» (۵)

«موقعیت‌های افراد و گروه‌ها در دل اجتماع باید در چهارچوبی نشانه‌ای بررسی شود. نشانه‌ها و شاخص‌ها همین نقش را بر عهده دارند و بیان‌گر تعلق شخص به یک مقوله اجتماعی مانند کلان، خانواده، شغل، انجمن و غیره است. مناسک، مراسم، جشن‌ها، مدها و بازی‌ها اشکالی از ارتباط هستند که به واسطه آن شخص خود را در چهارچوب رابطه‌ای که با گروه‌ها دارد و گروه خود را در قالب رابطه‌ای که با جامعه دارد تعریف می‌کند.» (۳)

نشانه‌های نزاکت و آداب معاشرت

این بخش به بررسی شیوه‌های تعامل اجتماعی میان شخصیت‌ها می‌پردازد. سلام و احوال‌پرسی‌ها، شیوه خطاب قرار دادن یکدیگر، و نحوه نشستن یا سخن گفتن در جمع از نشانه‌های بارز معاشرت هستند.

«انسان‌ها با یکدیگر در ارتباط هستند و به این منظور از نشان‌ها و شاخص‌ها به عنوان راهی برای شناساندن خود به دیگران استفاده می‌کنند. اما این روابط پایدار با روابط گذرای خاصی همراه می‌شوند که به تناسب افراد و موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کنند. مثلاً پوشیدن یا نپوشیدن لباس رسمی برای رفتن به مهمانی نه فقط

ماهیت مهمانی را نشان می‌دهد، بلکه نشان‌گر رابطه میان صاحب مجلس و مهمان هم هست.» (3)

«نشانه‌هایی هستند که چگونگی ارتباط انسان‌ها را با یکدیگر تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: لحن کلام (خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه و ملایم)؛ اهانت‌ها، اطوار و حالات (شامل حالت‌های چهره، ایما و اشاره که از تحلیل آن‌ها می‌توان شخصیت قهرمانان داستان را نشانه‌شناسی کرد.» (3)

هویت

شخصیت‌ها بر اساس نقش‌های اجتماعی، طبقاتی، قومی و جنسیتی دارای هویت‌های متفاوت‌اند. هویت خانوادگی، شغلی و سیاسی نیز در روایت برجسته می‌شود.

«هویت عامل تمیزدهنده هر فرد، گروه یا ملتی است. بدیهی است که جست‌وجوی همه عوامل کوچک و بزرگی که در تکوین هویت اجتماعی مجموعه‌های انسانی مؤثرند کار دشواری است و هم‌تراز آن درک اهمیت‌های زمانی و مکانی یک با چندین مجموعه خاص و تفوق استثنایی آن‌ها در بهره‌ای معین است. پیوستگی امور اجتماعی نیز از نکاتی است که تعیین حدود مرزها را دشوار می‌کند.» (6)

این نشانه ابزاری برای تمایز و دسته‌بندی و تعریف گروه‌هایی است که مجموعه آن‌ها جامعه را می‌سازند و دراصل انواع رده‌بندی‌های اجتماعی هستند. افزون‌بر آن این پدیده‌ها نشان‌دهنده سلسله‌مراتب و سازمان درونی گروه هستند و این طبقه‌بندی بنا به بافت و شرایط جامعه شکل می‌گیرد (7).

«نشان‌ها و شاخص‌ها نشانه‌های تعلق فرد به یک گروه اجتماعی یا اقتصادی هستند و کارشان این است که سازمان‌بندی جامعه و روابط میان افراد و گروه‌ها را به نمایش بگذارند.» (3)

بحث

آداب معاشرت و نزاکت

این بخش به شیوه‌های تعامل و رفتار اجتماعی شخصیت‌ها می‌پردازد. سلام و احوال‌پرسی، نوع خطاب قرار دادن یکدیگر و رعایت یا عدم رعایت ادب از مهم‌ترین نشانه‌های آن است.

بررسی گفت‌وگوها

ساختار زبانی گفت‌وگوها نیز بیانگر جایگاه طبقاتی و فرهنگی شخصیت‌هاست. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه تعاملات زبانی بازتاب زندگی اجتماعی‌اند.

«حرفم را می‌برد: «آخه پسر، اگه ما آدمای یه لاقبا به همدیگه کمک نکنیم، کی به دادمون می‌رسه؟

از حرف عمو بندر دلم می‌لرزد. انگار بیدار است که رفته است تو جسم عمو بندر و انگار بیدار است که با حرف‌ها و اصطلاحات عمو بندر حرف می‌زند: «می‌دونی خالد؟... ماها خودمون باید به فکر خودمون باشیم...» عمو بندر حرف می‌زند: «باید پشت همدیگرو داشته باشیم، باید زیر بال همدیگرو بگیریم که از پا نیفتیم.» (8).

گفت‌وگوی خالد با عمو بندر نمونه‌ای از شیوه تعامل صمیمانه و حمایتی میان شخصیت‌ها در رمان است. عمو بندر با واژه‌هایی ساده و عامیانه («یه لاقبا»، «زیر بال همدیگرو بگیریم») بر همبستگی و تعاون تأکید می‌کند؛ زبانی که ریشه در فرهنگ مردم فرودست دارد. این دیالوگ‌ها نه فقط انتقال محتوا، بلکه بازنمایی رابطه‌ای عاطفی و اخلاقی‌اند که به خالد دلگرمی و امید می‌بخشند. شباهت گفتار عمو بندر به سخنان بیدار نیز نشان‌دهنده امتداد گفتمان همبستگی از روشنفکران مبارز به طبقات سستی است. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، این نوع گفت‌وگوها نشانه‌هایی از تعامل اجتماعی‌اند که پیوندهای عاطفی و طبقاتی را تقویت کرده و هویت جمعی را بازتولید می‌کنند.

«رضی حرف نمی‌زند. ناصر، نرمه‌گوشش را می‌گیرد و لای انگشتانش له می‌کند. کنار می‌کشم، رنگ رضی شده است مثل زعفران. - آره رضی، تو بودی؟ رضی سکوت کرده است. - چرا

نشانه‌های تمایز طبقات اجتماعی در نوع زبان و آداب

این بخش بر تمایزات طبقاتی در شیوه سخن گفتن، رفتار و آداب اجتماعی تمرکز دارد. نوع واژگان، لحن، سطح رسمی یا عامیانه بودن زبان، جایگاه اجتماعی افراد را بازتاب می‌دهد.

«نشانه‌شناسی رویکردی معنایی دارد که به معناسازی در بستر اجتماع و فرهنگ می‌پردازد. معنا حاصل برهم‌کنش ذهنیت معناساز و ذهنیت معناپرداز از یک سو و از سوی دیگر که هیچ‌یک از آن را نیز به‌آسانی نمی‌توان از دیگری متمایز کرد و هریک به‌نوعی درون دیگری قرار دارد.» (9)

«به عمو بندر نگاه می‌کنم. همیشه ریش سفیدش را حنا می‌بندد. شاربش را قیچی می‌کند. ریشش از یک قبضه بلندتر نمی‌شود. شرعی است. رنگ چشمان عمو بندر کدر است. حرف می‌زند: «می‌دونی خالد. از آدم تو دنیا، فقط یه بدی می‌مونه و یه خوبی... همه باید سرشونو بذارن رو سنگ لحد. هیچکمی از یه کفن بیشتر نمی‌بره. - عمو بندر هیچ‌چیز محبت شما رو... حرفم را می‌برد: «آخه پسر، اگه ما آدمای یه لاقبا به همدیگه کمک نکنیم، کی به دادمون می‌رسه؟» (8)

گفت‌وگو و ظاهر عمو بندر نشانه‌های روشنی از هویت طبقاتی و اجتماعی او را آشکار می‌کند. استفاده از زبان ساده و اصطلاحاتی چون «یه لاقبا» بازتاب جایگاه طبقاتی فرودست و تجربه زیست او در میان مردم کوچه و بازار است. در مقابل، پابندی او به آداب مذهبی مانند حنابستن ریش، کوتاه کردن شارب و رعایت حدود شرعی، نشانگر پیوند طبقه فرودست با سنت و دین است که برایشان هویت‌بخش و عامل تمایز محسوب می‌شود. توصیه‌های اخلاقی او درباره مرگ، کفن و لزوم کمک متقابل، زبان ارزشی همان طبقه‌ای است که تنها سرمایه‌اش همبستگی و همیاری است. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی گپرو، این نوع زبان و آداب حامل رمزگان اجتماعی‌اند که مرز میان طبقات بالا و پایین را

واسه خالد تیغ کشیدی؟ - من می‌کنم و بعد به حرف می‌آید. از حرف‌هایش دستگیرم می‌شود که علی شیطان وادارش کرده است.» (8)

این گفت‌وگو نمونه‌ای از تعامل خشن و تهدیدآمیز میان شخصیت‌هاست. شیوه پرسش ناصر از رضی نه بر مبنای گفت‌وگویی آرام، بلکه همراه با فشار بدنی و تحقیر است («نرمه‌گوشش را می‌گیرد و لای انگشتانش له می‌کند»). سکوت رضی در برابر این برخورد نشانه ضعف و ترس او در ساختار قدرت میان نوجوانان محله است. گفت‌وگو در اینجا بیش از آن‌که انتقال‌دهنده اطلاعات باشد، ابزاری برای سلطه و اجبار است. در نهایت، رضی تنها زمانی زبان به سخن می‌گشاید که فشار جسمی و روانی به او تحمیل می‌شود. این شیوه تعامل بازتابی از فرهنگ گفت‌وگویی خشن در طبقات فرودست است که در آن زور و تهدید بر منطق و احترام پیشی می‌گیرد.

«اگر اختلافی باشد آن‌قدر حوصله به خرج می‌دهد و آن‌قدر حرف‌ها را زیر و رو می‌کند تا اختلاف را از میان بردارد. حالا اعتراض دارد شکل دسته جمعی می‌گیرد. آدم اگر هوشیار باشد خیلی چیزها می‌تواند از پندار یاد بگیرد. قال را چاق می‌کند و کنار می‌کشد و می‌گذارد که با هم گفت‌وگو کنیم. بعد لابلای بحث و جدال‌ها، حرف تو دهانم می‌گذارد.» (8)

پندار در این صحنه به‌عنوان شخصیتی هوشیار و میانجی معرفی می‌شود که هنر گفت‌وگو و مدیریت اختلافات را دارد. او با «چاق کردن قال» و سپس کنار کشیدن، فضایی برای تبادل نظر جمعی فراهم می‌کند و این رفتاری نشانه‌ای از ارزش گفت‌وگو در میان گروه‌های اجتماعی مبارز است. در عین حال، «حرف گذاشتن در دهان خالد» نشان‌دهنده نوعی هدایت پنهان است که گفت‌وگو را از سطح آزاد به سطحی هدایت‌شده می‌برد. این رفتار، الگویی از تعاملات اجتماعی - سیاسی زمانه است که در آن گفتگو و همفکری جمعی در عین وابستگی به رهبران فکری پیش می‌رود.

مشخص می‌کنند و هویت جمعی طبقهٔ فرودست را بازتولید می‌نمایند.

«تریاک علی‌الخصوص بر آدمایی به سن و سال من و تو که نورعلی‌نوره... وانگهی اگه تریاک به جون آدم لطمه می‌زد و یا اگه آدمو از صراط مستقیم به در می‌کرد که شارع مقدس حرامش می‌کرد.» (8)

این گفتار بازتابی روشن از زبان و آداب طبقه‌ای خاص در جامعه است که مصرف تریاک را نه تنها عیب نمی‌دانند، بلکه آن را «نور علی‌نور» قلمداد می‌کنند. استفاده از استدلال مذهبی («اگر لطمه می‌زد شارع مقدس حرامش می‌کرد») نشان‌دهندهٔ تلاش برای مشروعیت‌بخشی به رفتاری خلاف هنجارهای مدرن است. این نوع زبان و منطق، بازتابی از طبقات سنتی و فرودست است که برای توجیه عادات خود از دین به‌عنوان پشتوانه استفاده می‌کنند. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، این نوع زبان و آداب مرز طبقاتی را برجسته می‌کند: فاصلهٔ میان طبقه‌ای که در پی تغییر و مدرنیته است با گروهی که در عادات سنتی و مضر پناه می‌جویند.

هویت

هویت می‌تواند در قالب نقش خانوادگی، شغلی، قومی یا جنسیتی نمود پیدا کند. رمان نشان می‌دهد که شخصیت‌ها در چه شرایطی هویت مستقل دارند و کجا در دل جمع حل می‌شوند.

«نشانه‌هایی که مبین تعلق فرد به یک گروه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا جز آن است و کار آن‌ها طبقه‌بندی نظام‌های مختلف اجتماعی در هر جامعه است که خود به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند.» (10)

بازنمایی هویت فردی و جمعی

هویت شخصیت‌ها در بستر فردی و جمعی تمرکز دارد. کارگران با هویت طبقاتی و معیشتی خود شناخته می‌شوند، روشنفکران با اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی، و خانواده‌ها با نقش‌های سنتی و

روابط درون‌خانوادگی. هویت فردی شخصیت‌ها گاهی در تقابل با هویت جمعی قرار می‌گیرد.

«بعد از عمری دل تیرخوردهم هوس قلوه کرد. فکر کردم بخرم و بیارم خونه کباب کنم و زهرمار کنم. از تو آستر کلام پول درآوردم که به قلوه فروش بدم. کلامو که گذاشتم سرم، یهو مثل باد از سرم قاپیدنش... دویست و پنجاه تومن، پسر... خیالی می‌کنی آه اون یتیم دومنشونو نمی‌گیره؟» (8)

این روایت، بازنمایی صادقانه‌ای از هویت فردی و جمعی طبقهٔ فرودست است. شخصیت راوی با لحنی خودمانی، نیازهای سادهٔ روزمره‌اش را بیان می‌کند؛ هوسی کوچک مثل قلوه خوردن برای او به آرزویی دست‌نیافتنی بدل می‌شود. تجربهٔ از دست دادن پول در اثر یک حادثهٔ پیش‌پاافتاده، نماد ناامنی اقتصادی و شکنندگی زندگی طبقهٔ کارگر است. در اینجا، هویت فردی او به شکل مستقیم با شرایط معیشتی جمعی پیوند می‌خورد. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی گیرو، چنین روایت‌هایی فراتر از یک خاطرهٔ فردی‌اند و به صورت نشانه‌ای اجتماعی، وضعیت کلی طبقه‌ای از مردم را بازتاب می‌دهند.

«هلم می‌دهد تو انفرادی و درش را می‌بندد. انفرادی سه قدم درازا دارد و دو قدم پهنا. جای نفس کشیدن نیست. گرم‌گرم است. سقف بلندش رو دل آدم سنگینی می‌کند.» «همین‌جا باش تا صب بدم باتون تو دوبرت بکنن.» ... تنها دردی که دارم غصهٔ مادرم است. به فکر سیه‌چشم هستم، اما نه آن‌قدر که آزارم دهد. می‌دانم که مادرم تمام شب را نمی‌خوابد. می‌نشیند جلو لامپا و آرام‌آرام اشک می‌ریزد و آهسته آواز می‌گرداند. برادرش که کشته شد همین حال را داشت... (8)

این صحنه بازتابی از هویت فردی و جمعی در شرایط سیاسی-اجتماعی است. انفرادی، با محدودیت فضا و فشار جسمی، نماد سرکوب سیاسی و بی‌حقوقی فرد است. با این حال، درد اصلی راوی نه شکنجه، بلکه رنج مادر است؛ نشانه‌ای از پیوند عاطفی و

هویت خانوادگی که حتی در دل زندان هم حضور دارد. یادآوری برادر کشته شده، تجربه فردی را به خاطره جمعی مقاومت و قربانی شدن پیوند می زند. در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، این صحنه نشان می دهد که هویت فردی همواره در ارتباط با شبکه ای از روابط خانوادگی و جمعی شکل می گیرد و رنج یک فرد بازتاب رنج یک جامعه است.

«صدای خشن پندار است که به گوشم می نشیند: «وختی درگیر مبارزه هستی، نباید درگیر احساس باشی!» (8)

جمله پندار بازتاب دهنده گفتمان روشنفکری و مبارزاتی دهه های میانی قرن بیستم در ایران است. او احساسات فردی را مزاحم مبارزه می داند و هویت مبارز را بر پایه عقلانیت، صلابت و فداکاری جمعی تعریف می کند. این نگاه، نشانه ای از گفتمان سیاسی زمانه است که بر اولویت مبارزه طبقاتی و سیاسی بر زندگی شخصی تأکید داشت. در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، این جمله به مثابه «رمزگان هویتی» عمل می کند که مرز میان فرد و جمع را بازتعریف می کند. شخصیت پندار در اینجا نماینده آن بخشی از جامعه است که فردیت خود را فدای هویت جمعی و آرمان های سیاسی می سازد.

«تمام حرف ها برایم تازگی دارد. چشمم به دنیای تازه ای باز می شود. از حرف ها دستگیرم می شود که چرا زندگی تهیدستان روزبه روز بدتر می شود، که چرا آدم هایی مثل پدرم باید جل و پلاشان را جمع کنند و دنبال صنارسه شاهی پول از این ولایت به آن ولایت سگ دو بزنند.» (8)

این صحنه نقطه ای از بیداری و آگاهی اجتماعی شخصیت است که در خلال شنیدن حرف ها، به واقعیت تلخ تهیدستان پی می برد. زندگی پدر و امثال او که مجبورند در پی چند شاهی از این ولایت به آن ولایت کوچ کنند، بازتابی از هویت جمعی طبقه فرودست است. این تصویر، نوعی آگاهی طبقاتی در حال شکل گیری را نشان می دهد که از تجربه فردی فراتر می رود و به درک ساختاری از فقر

و بی عدالتی منتهی می شود. در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، این متن نشانه ای از عبور از هویت فردی به هویت جمعی است؛ جایی که رنج شخصی به نماد رنج اجتماعی بدل می شود. بدین سان، رمان همسایه ها هویت کارگران و تهیدستان را به عنوان نیروی اجتماعی-تاریخی بازنمایی می کند.

رفتارها و سرشت اجتماعی

رفتارهای فردی مانند سکوت، اعتراض یا مقاومت در کنار رفتارهای جمعی همچون همبستگی یا شورش دیده می شوند. سرشت اجتماعی افراد در نحوه برخورد آن ها با مشکلات و دیگران آشکار می شود. این رفتارها تحت تأثیر شرایط تاریخی، طبقاتی و فرهنگی شکل می گیرند.

رفتار شخصیت ها در موقعیت های اجتماعی-سیاسی

شخصیت ها در شرایطی چون اعتصاب، دستگیری، تظاهرات یا فشار پلیس واکنش های متفاوتی نشان می دهند.

«ارتباط اجتماعی ارتباطی است که به رابطه میان انسان ها و در نتیجه به رابطه میان فرستنده و گیرنده مربوط می شود. جامعه نظامی از روابط میان افراد است و هدف آن تولید مثل، دفاع، مبادله، تولید و غیره است. در این راستا موقعیت افراد و گروه ها در دل یک اجتماع باید در چارچوبی نشانه ای بیان شود.» (11)

«ناله بلورخانم حیاط را پر کرده است. نفرین و ناله می کند. مرده ها و زنده های امان آقا را زیرورو می کند. بعد یکهو در اتاق به شدت باز می شود و بلورخانم پرت می شود بیرون. چند تا از همسایه ها، جلو اتاق هایشان ایستاده اند و دست ها را رو سینه ها گره کرده اند. تمام تن بلورخانم پیداست، پیراهن باز تکه تکه پاره شده است. به زن ها گفتم:

- کنش تکه به کمر آدم جا می اندازد و تازه این طور بهتره. آدم همیشه حاضربه پراقه.

امان آقا از اتاق هجوم می آورد بیرون و بلورخانم را می کوبد. من، حوض وسط حیاط را که خزه بسته است، دور می روم و می روم

کنار خانه می ایستم و بلورخانم را نگاه می کنم که نفرین می کند و زیر تسمه پیچ و تاب می خورد و راه های بلورخانم با افتادنش است.» (8)

در این بخش، نزاع میان بلورخانم و امان آقا و واکنش همسایه ها بازتابی از روابط قدرت و خشونت در جامعه شهری است. بلورخانم در مقام زنی ستم دیده با فریاد و نفرین اعتراض می کند، اما قدرت بدنی و جایگاه اجتماعی مرد، او را به حاشیه می راند. حضور همسایه ها که با دستان گره کرده تماشا می کنند، نشان دهنده نوعی نظارت جمعی است که به جای مداخله، صرفاً تماشاگر خشونت اند. این وضعیت، نشانه ای اجتماعی از بازتولید سلطه مردسالارانه و عادی سازی خشونت خانگی در بستر جامعه است. در عین حال، ناله های بلورخانم کارکردی اعتراضی دارند و می توانند در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، صدای مقاومت خاموش زنان قلمداد شوند.

«وکیل باشی گفت برو پی کارت عمو جان. گفتم کجا برم؟ گفتم منم آدم دولتم، شهرداری کار می کنم. سپورم. اگه شما به دادم نرسین پس کی بدادم می رسه. وکیل باشی گفت حالا رئیس نیس. گفت برو بعد بیا. گفتمش همین جا می نشینم تا رئیس بیاد. به جوون فکلی، بود که گفت بیخود وخت خودتو تلف می کنی عمو. این ها باشون شریکن. گفتم آخه چطو ممکنه باشون شریک باشن. وکیل باشی نداشت برم تو کلونتری. نشستم تا رئیس بیاد. یه وخ دیدم رئیس از کلونتری زد بیرون، سوار ماشین شد و رفت. تا اومدم بهوش بگم که دستم به دومنت، پولام و بردن، ماشین راه افتاد و دور شد.» (8)

این صحنه تضاد میان فرد عادی جامعه (سپور شهرداری) و ساختار قدرت اداری و سیاسی را نشان می دهد. شخصیت سپور با زبان ساده و اعتراض خود، خواهان عدالت و رسیدگی است، اما با دیوار بی توجهی وکیل باشی و رئیس کلانتری روبه رو می شود. واکنش مأموران — انکار، طفره رفتن و در نهایت ترک صحنه توسط رئیس

— نشانه ای از فساد و همدستی قدرت های محلی با یکدیگر است. در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، این رفتارها بازتابی از «الگوهای سلطه و بی عدالتی» است که در مناسبات روزمره بازتولید می شوند. این صحنه، صدای معترض فرودستان را در برابر ساختارهای بسته و فاسد به نمایش می گذارد.

«آخه مگه اینا چیه که هیچکی نباید ببینه؟ آهسته می گوید: مربوط به نفقه. بی این که به حرفش فکر کنم می گویم خیلی خب باشه. چرا نباید کسی بفهمه؟ حالی ام می کند که دولت از این اعلامیه ها خوشش نمی آید و اگر پلیس ببیند، حتماً دستگیرم می کند و بعد، جایم توی زندان است. فکر می کنم که پندار هم باید همچین کارهایی کرده باشد.» (8)

این صحنه بازتابی از الگوهای رفتاری شخصیت ها در بستر سیاسی-اجتماعی است. راوی با سادگی و بی پروایی می پرسد «چرا نباید کسی بفهمد؟» و در برابر توضیح یارش به تدریج با منطق سرکوب آشنا می شود. توزیع اعلامیه ها به عنوان کنشی سیاسی، رفتاری پرخطر است که مرز میان مقاومت و سرکوب را آشکار می کند. ترس از پلیس و احتمال زندانی شدن، نشان دهنده فضای پراضطراب جامعه است که در آن حتی یک عمل ساده می تواند پیامدهای سنگین داشته باشد. در چارچوب نشانه شناسی اجتماعی، این صحنه نشانه ای از رمزگان مقاومت جمعی است که در دل رفتارهای فردی شکل می گیرد و پیوند هویت فردی را با مبارزه سیاسی تقویت می کند.

«جنازه ای را با شیون و زاری می آورند. زن جوانی که پشت سر جنازه است چنان صورت خودش را خراش داده است و چنان گیس خودش را دسته دسته کنده است که حالا بیشتر به جانور می ماند تا آدمیزاد.» (8)

این صحنه نمونه ای از الگوهای رفتاری در آیین های سوگواری سنتی است. زن جوان با خراشیدن صورت و کندن موها، اندوه خود را به صورت بدنی و آشکار بیان می کند؛ رفتاری که در فرهنگ

سستی به عنوان نشانه وفاداری و شدت سوگ پذیرفته می‌شد. در چهارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، این الگو بازتابی از تنش میان سنت‌های ریشه‌دار و نگاه نوگرایانه است که به نقد خرافات و خشونت بر بدن در آیین‌های سوگواری می‌پردازد.

رمزگان اجتماعی

رمزگان اجتماعی به مجموعه‌ای از نشانه‌ها و کدهای فرهنگی اطلاق می‌شود که در زندگی روزمره معنا و کارکرد دارند. این رمزگان می‌توانند شامل نوع لباس، زبان، لهجه، و نمادهای شهری و محیطی باشند.

«رمزگان اجتماعی نوعی سازمان‌بندی جامعه و دلالت‌گر آن هستند. این رمزگان از انسان یا گروه‌ها و از روابط میان آن‌ها سخن می‌گوید؛ زیرا که زندگی اجتماعی بازی‌ای است که هر فرد نقش خود را در آن بازی می‌کند.» (3)

لباس

لباس به عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اجتماعی، بیانگر جایگاه طبقاتی، فرهنگی و هویتی افراد است.

«لباس و پوشاک نیز دارای نظام نشانه‌ای مربوط به خود هستند که طبقه اجتماعی دارنده‌اش را نشان می‌دهد. پوشش و استتار بدن جزئی جدایی‌ناپذیر از حیات انسانی است و برای آن کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی برمی‌شمرند. از کارکردهای فردی آن پاسخ‌گویی به نیازهای فطری و خوداستتاری است و نیز کارکرد اجتماعی آن پوشش هویت‌بخشی است. نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است.» (12)

در این رمان به پوشش توجه شده است. در این قسمت گوینده به پوشش شخصیت‌ها اشاره می‌کند:

«رنگ هرسه‌تاشان کبود شده‌است؛ یکی‌شان چاق است، موی سرش آشفته است و قندره به پا دارد.» (8) و «بویه، زیرلب زمزمه می‌کند. او همیشه دشداشه می‌پوشد. چپیه به سر می‌بندد.» (8)

این قطعه بازنمایی روشن از اهمیت پوشش در ساخت هویت اجتماعی شخصیت‌هاست. دشداشه، قندره و چپیه نه تنها پوشاک محلی‌اند بلکه به مثابه نشانه‌های اجتماعی، تعلق قومی و طبقاتی شخصیت‌ها را آشکار می‌سازند. توصیف ظاهر افراد (چاقی، موهای آشفته، رنگ کبود لباس‌ها) نشانه‌ای از وضعیت معیشتی و رنج زیستی آنان است. در مقابل، چپیه و دشداشه نشانه‌هایی از هویت قومی و سستی‌اند که در متن رمان به عنوان بخشی از رمزگان فرهنگی جنوب ایران بازنمایی می‌شوند. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، لباس‌ها در این صحنه بیش از یک پوشش ساده‌اند؛ آن‌ها حامل معناهای هویتی و اجتماعی‌اند که جایگاه افراد را در جامعه تثبیت یا بازنمایی می‌کنند.

زبان

زبان یکی از برجسته‌ترین رمزگان اجتماعی است که روابط و جایگاه افراد را مشخص می‌سازد. نوع واژگان، لهجه، لحن گفتار و سطح رسمی یا غیررسمی بودن زبان، معرف موقعیت طبقاتی و فرهنگی شخصیت‌هاست.

«زبان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان‌های دیگر از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره با زبان توصیف‌شدنی است.» (4)

«قاضی می‌آید تو، مثل همیشه شلوغ است و پرسروصدا. این اسم را بچه‌ها بهش داده‌اند. کتاب قانون متحرک زندان است. _ هفته ساله با دادگستری و زندون سر و کار دارم، آگه هر سال ده تا ماده قانون یاد گرفته باشم، کلی از مدعی‌العموم جلوترم. قاضی ریز اندام است. سیبل نازکی پشت لب دارد. همیشه شتاب‌زده است. ذهن تیزی دارد. گنده دزدی می‌کند. مخش را بزنی دوباره سرش تو زندان پیدا می‌شود.» (8)

«قاضی» به عنوان شخصیتی در زندان، نمونه‌ای از خلق هویت از طریق زبان و لقب‌گذاری است. نامگذاری او به عنوان «کتاب قانون

متحرک زندان» نشانه‌ای است از اینکه دانش حقوقی نه از مسیر رسمی، بلکه از تجربه زیسته زندان به دست آمده است. این لقب و روایت طنزآمیز درباره توانایی او در شناخت مواد قانونی، نمادی از مقاومت زبانی زندانیان در برابر ساختار رسمی عدالت است. درعین حال، توصیف ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی (سبیل نازک، ریزاندام، شتاب‌زده، دزدی) مرز میان «قانون رسمی» و «زندگی حاشیه‌ای» را کمرنگ می‌سازد. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، چنین رمزگان زبانی و نمادین، هویت اجتماعی تازه‌ای در درون زندان شکل می‌دهند که با گفتمان قدرت رسمی تفاوت دارد و آن را به چالش می‌کشند.

«این چندمین بار است که چنین چیزی از مشتری‌ها می‌شنوم و چندمین بار است که می‌بینم به جای نهج‌البلاغه به مشتری روزنامه می‌دهند. من نهج‌البلاغه را دیده‌ام. می‌دانم که یک کتاب است و یقین دارم با این روزنامه‌هایی که بالای صفحه اولشان با رنگ قرمز چاپ شده‌است، هیچ ارتباطی ندارد.» (8).

این صحنه بازتابی از رمزگان زبانی و فرهنگی جامعه آن روزگار است. در ظاهر، مشتریان به دنبال «نهج‌البلاغه» اند که متنی دینی و معتبر است، اما در واقع روزنامه‌های سیاسی و ممنوعه در پوشش آن توزیع می‌شوند. این جابه‌جایی معنایی نشانه‌ای از چگونگی مقاومت سیاسی در دل زندگی روزمره است. خالد با دقت متوجه تفاوت میان متن دینی و روزنامه‌های سیاسی می‌شود؛ آگاهی‌ای که بخشی از رشد فکری او و ورودش به جهان سیاست است. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، این صحنه نمونه‌ای از «رمزگان دوگانه» است: یک سطح آشکار (نهج‌البلاغه) که مشروعیت دینی دارد و یک سطح پنهان (روزنامه‌های سیاسی) که حامل گفتمان اعتراضی است.

باورها و اعتقادات

باورها و اعتقادات شامل مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، خرافه‌ها، دعاها و آیین‌های مذهبی یا عامیانه است که در زندگی روزمره نقش پررنگ دارند.

«هویت دینی ریشه در فطرت آدمی دارد که با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی به دنبال داشته است. ازجمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها هدف‌مندی و جهت‌دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد.» (7)

«پدرم چهار کارد فولادی درست کرده‌است. روی تیغه کاردها نقش‌هایی حک کرده‌است که من سر در نمی‌آورم. یقین از رو کتاب اسرار قاسمی این نقش‌ها رو روی تیغه کاردهای فولادی حک کرده‌است. سجاده‌اش را توی اتاق خودش پهن می‌کند. کاردها را چهار گوشه سجاده، به زمین فرومی‌کند و ورد می‌خواند. لابد برای رونق گرفتن کار و کاسبی، میرزا نصرالله به پدرم دستوراتی داده‌است.» (8)

این صحنه بازتابی از رمزگان سنتی و باورهای عامیانه در زندگی مردم است. پدر خالد با استفاده از کاردهای فولادی، نقش‌های اسرارآمیز و وردخوانی، به دنبال رونق کار و کاسبی است؛ رفتاری که ریشه در فرهنگ خرافی و آیینی طبقه سنتی دارد. ترکیب سجاده و ابزار جادویی، نشان‌دهنده هم‌زیستی دین و جادو در ذهنیت مردمان است. این باورها در عین حال، بیانگر تلاش فرودستان برای یافتن راهی جهت مقابله با بحران‌های معیشتی‌اند. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی، این رفتار نمادی است از چگونگی پیوند رمزگان مذهبی-خرافی با حیات اقتصادی و اجتماعی، که ساختار هویتی سنتی جامعه را بازتولید می‌کند.

«هوا حسابی گرم شده‌است، تو این گرما پدرم تو اتاق خودش می‌نشیند و درها را می‌بندد و کتاب اسرار قاسمی می‌خواند. آدم

اگر بتواند به دستورات این کتاب عمل کند، می‌تواند غیب شود. می‌توان از سیتان سرخ جبه‌ای درست کند که هروقت رو دوش بیندازش غیب شود. یا اگر دل و جرئت داشته باشد، با دستورات این کتاب، جن هم می‌تواند تسخیر کند.» (8)

این صحنه نشان‌دهنده نفوذ باورهای خرافی و جادویی در زندگی روزمره مردم است. پدر خالد با رجوع به کتاب *اسرار قاسمی* و باور به امکان غیب شدن یا تسخیر جن، به دنبال راهی برای فرار از مشکلات یا دست یافتن به قدرتی فراتر از زندگی عادی است. چنین رمزگانی ریشه در فرهنگ عامیانه دارد و بیانگر ترکیب دین، خرافه و سحر در زیست سنتی مردم جنوب است. در عین حال، این باورها انعکاسی از ناتوانی اجتماعی و اقتصادی افراد است که در نبود قدرت واقعی، به نیروهای ماورایی پناه می‌برند. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، این صحنه نشانه‌ای از «رمزگان جادویی-خرافی» است که درون فرهنگ سنتی بازتولید می‌شود و هویت اجتماعی افراد را شکل می‌دهد.

آداب و رسوم

آداب و رسوم به مجموعه‌ای از عادت‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های رفتاری مشترک در میان مردم یک جامعه گفته می‌شود. این موارد شامل نوع غذا خوردن، مهمان‌نوازی، برگزاری جشن‌ها، سوگواری‌ها و شیوه‌های پوشش است.

«حاج شیخ‌علی به خانه‌مان برکت می‌دهد. به کار و کاسبی پدرم برکت می‌دهد. حالا دیگر دستمان نمی‌رسد که دعوتش کنیم. آنوقت‌ها که خودش را و دامادش را و بچه‌هایش را و برادرزاده‌هایش را دعوت می‌کردیم، عیدمان بود. حسابی شکمی از عزا درمی‌آوردیم.» (8)

این روایت، آداب و رسوم خانوادگی را در پیوندی تنگاتنگ با زندگی اجتماعی نشان می‌دهد. حضور حاج شیخ‌علی در خانه و نسبت دادن «برکت» به او نشانه‌ای از نفوذ باورهای مذهبی در اقتصاد و معیشت خانواده است. دعوت از او و بستگانش در اعیاد،

نه تنها آیینی مذهبی، بلکه نوعی نمایش منزلت اجتماعی و ارتباط با قدرت دینی محسوب می‌شود. این مناسک خانوادگی کارکردی دوگانه دارند: از یک سو معنای معنوی (برکت، دین) و از سوی دیگر کارکرد اجتماعی (نمایش شأن و جایگاه). در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی گیرو، این مناسک به مثابه رمزگان فرهنگی عمل می‌کنند که هویت دینی-اجتماعی خانواده را تثبیت و بازتولید می‌سازند.

«چندتا از بازاری‌ها آمده‌اند عیادت پدرم. خیال کرده‌اند کسالت دارد که چند روزی دکان را باز نکرده است.

— اوسا حداد خدا بد نده. — بد نبینی حاج نایب. — خدا نکرده... پدرم می‌رود تو حاج نایب. — نه، بحمدالله کسالتی ندارم.» (8)

عیادت بازاری‌ها از پدر، نشانه‌ای از آیین‌های اجتماعی رایج در جامعه سنتی است. در این آیین، حضور جمع و پرس‌وجو درباره سلامتی فرد، نوعی همبستگی اجتماعی و احترام متقابل را بازتاب می‌دهد. گفت‌وگوهای کوتاه و تکراری («خدا نکرده»، «بحمدالله») خود بخشی از رمزگان زبانی این مناسک‌اند که نقش تثبیت‌کننده دارند. این حضور بازاری‌ها، علاوه بر وجه دینی و اخلاقی، کارکرد اقتصادی و صنفی هم دارد، زیرا همبستگی میان بازاریان را تحکیم می‌کند. در چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی گیرو، این رفتار نمونه‌ای از «نشانه‌های مناسکی» است که در تداوم روابط اجتماعی و بازتولید هویت صنفی نقش ایفا می‌کنند.

«پرده‌دارها هم تماشایی هستند. خودمانیم، مختار عجب دماری از روزگار آدم‌کشان صحرای کربلا درمی‌آورد.» (8)

این قطعه به نمایش تعزیه و پرده‌خوانی اشاره دارد که بخشی از آیین‌های مذهبی و فرهنگی جامعه سنتی جنوب ایران است. پرده‌دارها با بازنمایی واقعه کربلا، نه فقط آیینی دینی را اجرا می‌کنند، بلکه نوعی سرگرمی جمعی و ابزار آموزش تاریخی-اعتقادی نیز فراهم می‌سازند. تأکید بر شخصیت مختار و «دماری

که از روزگار آدم‌کشان در می‌آورد»، نشان‌دهنده همذات‌پنداری تماشاگران با عدالت‌خواهی و انتقام‌گیری تاریخی است. این مراسم مذهبی درواقع عرصه‌ای برای تخلیه عاطفی، بازتولید باورهای شیعی و تقویت انسجام جمعی محسوب می‌شود. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، پرده‌خوانی نوعی رمزگان آیینی-نمایشی است که گذشته اسطوره‌ای را به زندگی روزمره پیوند می‌زند.

مدها و بازی‌ها

این بخش به جلوه‌های مربوط به سبک زندگی، پوشش، سرگرمی‌ها و شیوه‌های گذران وقت شخصیت‌ها می‌پردازد. «پژوهش‌های نشانه‌شناسی فرانسوی نشان می‌دهد که فرم‌های اجتماعی که گمان می‌رفت مثل زبان عمل می‌کنند به سوی اسطوره، مد و غیره سوق یافتند.» (3) «مد شیوه وجودی خاص گروه‌ها از حیث پوشاک، خوراک، مسکن، و غیره است. در جامعه‌ای که وفور محصولات مصرفی این محصولات را از کارکرد اولیه‌شان یعنی محافظت و تغذیه دور کرده باشد، مد نقش بسیار مهمی پیدا می‌کند. چیزهایی مثل کراوات، اتومبیل، مبلمان سلطنتی آشکارا فقط نشانه‌هایی دال بر موقعیت اجتماعی افراد است.» (3)

سرگرمی‌ها

سرگرمی‌ها و بازی‌ها بخش مهمی از زندگی روزمره شخصیت‌ها را تشکیل می‌دهند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل بازی‌های خیابانی کودکان، سرگرمی‌های گروهی در قهوه‌خانه‌ها یا تفریحات ساده جوانان باشند. بازی‌ها اغلب با محیط اجتماعی و شرایط اقتصادی افراد پیوند دارند.

«می‌نشینیم پشت میز و شاگرد قهوه‌چی چای می‌گذارد جلومان. چشممان به بوق بزرگ و سبزرنگ جلب‌صورت است. عنکبوت سوزنش را عوض می‌کند و صفحه می‌گذارد. چای می‌خوریم و به آواز گوش می‌دهیم. گاهی با هم دومینو بازی می‌کنیم. البته همین‌جوری، سرلاستی. ولی ابراهیم همیشه دومینو بازی می‌کند»

(8)

این صحنه تصویری زنده از قهوه‌خانه به‌عنوان یکی از مراکز اصلی سرگرمی در جنوب ایران ارائه می‌دهد. نوشیدن چای، گوش دادن به صفحه موسیقی و بازی دومینو، همه نشانگر ترکیب سنت و مدرنیته در فضاهای عمومی‌اند. وجود گرامافون (بوق سبزرنگ و صفحه) نشان‌دهنده ورود فرهنگ مدرن شهری است که با سرگرمی‌های سنتی مانند بازی دومینو در هم می‌آمیزد. این سرگرمی‌ها کارکردی اجتماعی نیز دارند، زیرا علاوه بر پر کردن اوقات فراغت، بستری برای هم‌صحبتی و تقویت پیوندهای جمعی فراهم می‌آورند. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، قهوه‌خانه نه فقط مکانی برای تفریح، بلکه یک رمزگان اجتماعی-فرهنگی است که در آن مدهای نوین و سنت‌های قدیمی همزمان بازتولید می‌شوند. «تو میدان همیشه چیزهای دیدنی هست. مثلاً کسانی که خال سیاه، خال سفید بازی می‌کنند. حالا دیگر خشمان را خوانده‌ام. سر راه دهاتی‌هایی را که برای خرید به شهر می‌آیند می‌گیرند و سرشان کلاه می‌گذارند. -برگ سفید مال من، خال سیاه مال تو، اگه دیدی بردی. یک تومن به پنج تومن.» (8)

این صحنه نمونه‌ای روشن از سرگرمی‌های عامیانه و خیابانی در فضای شهری است. بازی «خال سیاه، خال سفید» نه فقط نوعی قمار ساده، بلکه ابزاری برای فریب روستاییان و تازه‌واردان به شهر است. در واقع، بازی به ظاهر سرگرم‌کننده است اما کارکرد اجتماعی آن به استثمار و کلاهبرداری پیوند می‌خورد. این ماجرا نشان می‌دهد که سرگرمی‌های خیابانی در متن رمان بازتابی از شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی‌اند. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، چنین بازی‌هایی حامل رمزگان قدرت‌اند؛ جایی که بازندگان معمولاً فرودستان و بی‌تجربه‌ها هستند و برندگان کسانی که قواعد پنهان بازی را در دست دارند.

«دلم می‌خواهد از کار کمک‌راننده هم سر در بیاورم، یعنی می‌خواهم بدانم که نوار رو سینمایش زده است یا نه؟ به سینۀ کمک‌راننده نگاه می‌کنم: «صنعت نفت باید ملی شود». باید ازش

پرسم، باید از این حرف سر در بیاورم. اگر قرار باشد سمت راننده از این نوارها و سینه‌اش بدوزن، چرا من ندوزم؟ چرا ابراهیم و حسینی و امید ندوزند؟ چرا خالق و چپ‌چپ و همه بچه‌های محل ندوزند؟» (3)

هرچند متن به ظاهر درباره شعار سیاسی «صنعت نفت باید ملی شود» است، اما در لایه‌ای دیگر به نوعی سرگرمی و کنجکاوی نوجوانانه هم اشاره دارد. برای خالد و همسالانش، نگاه کردن به سینه راننده و جست‌وجوی «نوار سیاسی» نوعی هیجان و بازی ذهنی است؛ چیزی شبیه سرگرمی جمعی که شور و نشاط جوانانه را با سیاست درهم می‌آمیزد. این رفتار نشان می‌دهد که سرگرمی در میان جوانان تنها به بازی‌های معمول محدود نمی‌شود، بلکه کنش‌های سیاسی نیز به صورت نوعی «بازی اجتماعی» تجربه می‌شوند. همان‌طور که نوجوانان در کوچه به دنبال فوتبال یا بازی‌های کودکانه‌اند، اینجا هم به دنبال کشف و تقلید از نمادهای سیاسی‌اند. از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، این لحظه نشان می‌دهد که سرگرمی می‌تواند کارکردی سیاسی پیدا کند و حتی در قالب «بازی با نمادها» درونی‌سازی گفتمان سیاسی را ممکن سازد.

نتیجه‌گیری

رمان همسایه‌ها از احمد محمود یکی از مهم‌ترین متون اجتماعی-ادبی ایران معاصر است که به‌خوبی ظرفیت تحلیل براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پیر گیرو را داراست. این رمان نه صرفاً داستانی رئالیستی، بلکه شبکه‌ای از نشانه‌های اجتماعی است که در گفت‌وگوها، رفتارها، آداب، آیین‌ها، هویت‌ها و حتی بازی‌ها و سرگرمی‌های روزمره بازتاب یافته‌اند. محمود با روایت زندگی فرودستان و طبقات مختلف اجتماعی، در واقع لایه‌های گفتمانی جامعه ایران دهه‌های بیست و سی را بازنمایی می‌کند.

بررسی آداب معاشرت و نزاکت در رمان نشان داد که چگونه سلام، احوال‌پرسی، نشستن در قهوه‌خانه یا حتی شیوه خطاب قرار دادن دیگری، همه حامل پیام‌های طبقاتی و هویتی‌اند. هویت فردی و

جمعی نیز در کشاکش میان کارگران، روشنفکران و خانواده‌ها بازنمایی می‌شود؛ هویتی که همواره میان سنت و تجدد در نوسان است. رفتارها و سرشت اجتماعی شخصیت‌ها نیز در موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی آشکار می‌شود، جایی که فرد یا به سکوت و انفعال کشیده می‌شود یا به کنش جمعی و مقاومت می‌پیوندد.

رمزگان اجتماعی مانند لباس، زبان و نمادهای شهری نیز در رمان به‌مثابه گداهایی عمل می‌کنند که تمایزات طبقاتی و فرهنگی را برجسته می‌سازند. آیین‌ها و مناسک، چه مذهبی مانند پرده‌خوانی و سوگواری، و چه سیاسی مانند اعتصاب و شعارنویسی، نشان می‌دهند که زندگی جمعی همواره در پیوند با آیین‌هاست. در کنار این‌ها، مدها و بازی‌ها و حتی سرگرمی‌های روزمره کودکان و جوانان، بخشی از فرهنگ زیسته‌ای هستند که ساختار اجتماعی را تداوم می‌بخشند.

براساس این تحلیل می‌توان گفت که همسایه‌ها صرفاً بازتاب زندگی نیست، بلکه خود به‌عنوان متنی گفتمانی، تولیدکننده معنا و نشانه‌های اجتماعی است. رویکرد پیر گیرو کمک می‌کند تا بفهمیم هر رفتار، هر کلمه و هر مناسک کوچک در رمان حامل معنایی اجتماعی و فرهنگی است. در نهایت، تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی این رمان به ما نشان می‌دهد که ادبیات نه تنها روایتگر زندگی مردم، بلکه سازنده و بازتولیدکننده گفتمان‌های اجتماعی است. بنابراین، اهمیت همسایه‌ها فراتر از ارزش‌های ادبی آن است و می‌توان آن را به‌مثابه سندی اجتماعی خواند که لایه‌های پنهان هویت، فرهنگ و سیاست جامعه ایران را آشکار می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The novel *The Neighbors* by Ahmad Mahmoud stands as a foundational social text in contemporary Persian literature, offering a vivid portrayal of the working class, the oppressed, and intellectuals of mid-20th century Iran. With a realist narrative style, Mahmoud transcends literary boundaries to reveal the latent dynamics of social life and power. This study applies Pierre Guiraud's social semiotics to analyze the semiotic dimensions of *The Neighbors*, emphasizing that signs extend beyond language into customs, identities, behaviors, and rituals that shape social discourse. Semiotics, understood as the study of signs and sign systems, examines how meaning is generated through interaction and representation (1). Semiotics seeks hidden meanings and interpretive relationships among signs, bridging perception and communication (2). Guiraud conceptualizes signs as entities that stimulate associative and representational processes within human interaction, positioning social semiotics as a method for decoding the cultural and symbolic codes underpinning social practices (3). Hence, by interpreting *The Neighbors* through Guiraud's framework, this study explores how cultural codes—ranging from politeness rituals and identity expressions to clothing and language—constitute a dynamic network of meanings that reflect class structure, power, and cultural identity in Iranian society.

The theoretical foundation of this research draws from the core principles of social semiotics, which extends semiotic inquiry beyond linguistic structures to encompass lived social experiences. Within this paradigm, customs, manners, fashion, rituals, and games are recognized as codes of communication that articulate social belonging and distinction (5). Guiraud's theory identifies these social codes as repositories of historical and cultural capital, enabling individuals to recognize and perform identity within social hierarchies (3). The framework views the relationship between signs and meaning as context-dependent, linking semiotic behavior with social action. In *The Neighbors*, gestures, speech patterns, and bodily comportment act as signs that express cultural norms and moral expectations. The social world Mahmoud constructs is not only linguistic but performative, where etiquette, ritual, and style all encode relations of power. Politeness and interpersonal behavior thus function as social codes that indicate hierarchical boundaries and define respect and familiarity. For example, the modes of greeting and address among characters reveal deeply embedded class relations. These observations align with Guiraud's argument that "social behavior must be understood semiotically" since gestures, linguistic choices, and habits embody social relationships and reveal the logic of social differentiation (3).

Through detailed linguistic and narrative analysis, the study identifies that individual

and collective identities in *The Neighbors* are constructed through the interplay of language, ritual, and material culture. Identity, in this context, serves as both a marker of difference and a means of social organization (6). The signs that indicate belonging—such as occupational symbols, dialects, or bodily gestures—reflect the hierarchical arrangement of the social order (7). Guiraud's semiotic framework clarifies how these signs operate as cultural mediators between individual consciousness and collective life (3). In Mahmoud's novel, characters from the working class express solidarity through colloquial language and shared codes of respect, while intellectuals and elites use more formal and abstract language that distances them from the social base. This linguistic stratification mirrors the sociopolitical reality of Iran's urban centers during the 1940s and 1950s. Language thus becomes both an instrument of communication and a marker of class distinction (9). Clothing, as another social code, functions in a similar way: items like *dishdasha* and *chafiyeh* signal regional and cultural identities, while Western attire represents the penetration of modernity into traditional spaces (12). These semiotic differences articulate a social tension between authenticity and imitation, tradition and modernization—an essential duality in Mahmoud's social vision.

Behavioral and emotional expressions in *The Neighbors* also serve as social signs that disclose character psychology and class-

based disposition. Acts of solidarity, anger, and protest illustrate the embodied nature of social meaning (11). For instance, the recurring scenes of verbal and physical confrontation reveal a culture where communication is mediated by dominance and fear. The study interprets such exchanges as semiotic performances that reproduce the power dynamics of everyday life. Similarly, scenes of mourning, hospitality, and ritual reflect the intertwining of religion, custom, and superstition. Religious rituals, blessings by clerics, and acts of hospitality signify both spiritual and social capital. Yet Mahmoud juxtaposes these sacred gestures with depictions of magical or superstitious practices, such as reading *Asrar-e Qasemi* and invoking supernatural powers for economic relief. These practices, when viewed through Guiraud's lens, function as "magical codes" that reflect the socio-economic constraints of the lower classes (7). In *The Neighbors*, superstition is not mere ignorance but a cultural strategy for coping with deprivation—a signifying system that reveals both helplessness and resilience. In this way, the semiotic analysis uncovers the duality of belief systems within the narrative: one anchored in religious morality and another in pragmatic mysticism.

A crucial insight from the study is the recognition of urban semiotic spaces in *The Neighbors*. The city—its cafés, markets, and prisons—acts as a semiotic environment where public and private discourses intersect.

Guiraud defines social codes as the organization of human interactions within a “game of life” where every actor plays a role through costume, gesture, and language (3). Mahmoud’s depiction of coffeehouses, for instance, illustrates how entertainment, conversation, and games like dominoes or gambling encode relations of power, leisure, and resistance. Games are not neutral diversions but performances of social hierarchy. Similarly, linguistic exchanges in public settings, such as the conversation between Khaled and government officials, expose the mechanisms of exclusion and corruption within bureaucratic institutions. The study argues that Mahmoud’s narrative transforms these everyday scenes into microcosms of Iranian society. Even minor details, such as a slogan (“The Oil Industry Must Be Nationalized”) printed on a worker’s uniform, function as political signs that merge the personal and collective domains of identity (3). Rituals like mourning and passion plays (*parde-khani*) serve as theatrical representations of communal belief, translating religious narrative into social performance. In this sense, Mahmoud’s realist storytelling captures not only the visible world but also the symbolic dimensions of lived experience, where every gesture and utterance participates in the construction of collective meaning.

Overall, this analysis positions *The Neighbors* as a socio-discursive text that transcends literary form to engage with broader

ideological structures. By decoding social codes embedded in politeness, identity, rituals, and entertainment, the research demonstrates how Mahmoud’s novel constructs a semiotic map of mid-century Iranian society. The findings reveal that social interactions, linguistic variations, and symbolic practices function as active agents in the production of meaning. They also expose how literature can serve as a mirror and producer of social consciousness. The social semiotic approach of Pierre Guiraud thus enables a holistic reading that bridges narrative aesthetics with cultural anthropology, showing that *The Neighbors* is not merely a novel about individuals but about the semiotic fabric of an entire society. Through this method, Mahmoud’s work emerges as both a chronicle of the past and a semiotic system of its time, where signs of power, faith, resistance, and identity intertwine to reflect the collective experience of a nation.

References

1. Makarik IR. Encyclopedia of Contemporary Literary Theories. Translator: Mohajer and Nabavi; Mehran, Mohammad ed. Tehran: Ageh; 2009.
2. Chandler D. Fundamentals of Semiotics. Translator: Parsa, Mehdi ed. Tehran: Contemporary Culture and Art Research Institute; 2018.
3. Giroux P. Semiotics. Translator: Nabavi, Mohammad ed. Tehran: Ageh; 2019.
4. Sojoodi F. Semiotics: Theory and Practice. Tehran: Elm; 2019.
5. Sojoodi F. Applied Semiotics. Tehran: Qeseh Publishing; 2012.
6. Farhangi S, Bastani KM. Social Semiotic of Amirkhani's Bivatan. Literary Criticism. 2014;7(25):121-52.

7. Akbari B. Identity Crisis and Religious Cognition. *Journal of Peyk Noor (Humanities)*. 2009;6(4):219.
8. Mahmoud A. Hamsayeha. Tehran: Amirkabir; 1978.
9. Sassani F. Semantic Analysis Towards Social Semiotics. Tehran: Elm; 2010.
10. Eagleton T. An Introduction to Literary Theory. Translator: Mokhbar, Abbas ed. Tehran: Markaz; 2002.
11. Sanapour H. The Founders of the Modern Iranian Novel. Tehran: Cheshmeh; 2019.
12. Noori A. Islamic Criteria for Women's Dress and Consumption Patterns. *The Journal of Islamic Law Research*. 2002;3(3 - 4).